

## تبیین جامعه شناختی و بستر اخلاقی بنیان‌های گفتگو در اندیشه امام خمینی (ره)

فرانک سیدی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله با تبیین جامعه شناختی، به بررسی بنیان‌های گفتگو در اندیشه امام خمینی (ره)، با استفاده از روش اسنادی و تحلیل محتوی متون و تاکید بر ادبیات نظری تحقیق برگرفته از آیات قرآن و تئوری رهبری فرهنگدانه ماکس وبر و تئوری انقلاب کرین برنتون می‌پردازد. در بخش اسنادی از اغلب آثار امام خمینی (ره) فیش برداری شده است. عظمت امام این است که اصالت فکرش را در آثارش بتوانیم نشان دهیم، بنابراین، توجه به اندیشه امام بیشتر از گذشته ضروری است. امام با اخلاق و منش متعالی خود توانست، نظم فکری را به نظم اجتماعی با ساختاری جدید تبدیل کند و با تحلیل انتقادی گفتمان‌های قبلی آنها را به چالش کشید. پس می‌توان گفت امام با تأسی از روش انبیاء به گفتگو می‌پرداخته و از گفتگو بیشتر در تبیین و اصلاح و اشاعه استفاده نموده است، که البته در صورت عدم نتیجه به قیام و جنگ می‌پرداخت. امام با رویکرد تعاملی خود، اندیشه‌های یکسویه و جانبدارانه را به موزه‌های تاریخ اندیشه سپرد. ایشان در تعاملات دیپلماتیک با توجه به اصول اخلاقی و مصلحت جامعه و دفع مفاسد به تدبیر امور می‌پرداختند، پس در تحلیل اندیشه‌هایشان بایستی به این اصول ثابت تفکرشان توجه نمود. طرح اندیشه مذهبی و اخلاقی در جهان وجهانی شدن اسلام، آگاهی بخشی، تمایز اسلام واقعی از اسلام آمریکایی، توجه خاص به نیروی انسانی، کاربست مفاهیم برمبنای اسلام، رعایت احترام متقابل و رعایت عدالت بین دولت‌ها، مصلحت اندیشی، تعمق و واقع بینی، خلق باوری، آینده پژوهی مبانی گفتگو را تشکیل می‌دهند.

### واژگان کلیدی

گفتگو، بستر اخلاقی، اندیشه، بیداری اسلامی، فرهنگدانه.

## طرح مسأله

اندیشه عنصر اساسی و عامل برتری انسان به حیوان است. بنیاد حرکت‌ها و تحولات جامعه براساس اندیشه‌ها و افکار و تعاملات است که نگارنده آن را در قالب اندیشه حضرت امام خمینی (ره) در دو وضعیت ایستا<sup>۱</sup> و پویا<sup>۲</sup> بررسی می‌نماید. در حالت ایستا به تاثیر اندیشه رهبر بر زندگی اجتماعی افراد و برنامه ریزی‌های صورت گرفته در جهت زندگی اجتماعی افراد پرداخته می‌شود ولی در حالت پویایی، تاثیر اندیشه رهبر در روند تحولات جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد که با واکاوی این موارد مبانی گفتگو حاصل می‌گردد. جاری شدن اندیشه در گفتگو و رفتار نشان دهنده جهت گیری فرد می‌باشد و اگر به درستی عرضه شود و مورد قبول جامعه قرار گیرد، می‌تواند موجد و موجب نظم سیاسی اجتماعی گردد.

در ایران زبان قدرت تازه‌ای بعد از انقلاب تأسیس شده بود. این زبان، از طریق برجسته کردن دال مرکزی «اسلام» و آوردن آن به مرکز جامعه، به انباشت قدرتی تازه انجامید که تبلور نمود عینی آن را می‌توان در تأسیس نظام جمهوری اسلامی در بهار ۱۳۵۸ مشاهده کرد. با تأسیس نظام جمهوری اسلامی، فرهنگ سیاسی تازه‌ای در حال شکل‌گیری بود؛ بدین معنا که جامعه ایران فرهنگ سیاسی متحول شده و متفاوتی را تجربه می‌کرد. (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

در این راستا دوراندیشی و بینش امام چراغ عقل مردم را روشن نمود. امام تکیه بر افکار عمومی و تلاش برای نزدیک کردن فرد به توده مردم داشت. خلق باوری و وجدان جمعی او نشان از اهمیت و برتری قضاوت مردم دارد. رفتن جوامع به سوی دموکراسی در ایران از اینجا شروع می‌گردد. یکی از مواردی که هنر رهبری را در مبارزه سنجش افکار و اندیشه‌ها گذاشت، میزان قدرت و تاثیر است که او از طریق تفسیر و توجیه هدف بر افراد جامعه می‌گذارد. نگارنده تلاش خواهد کرد مبانی اندیشه امام خمینی (ره) را بر اساس اقتضات گفتگو و با رویکرد رهبر فرهمند و بری تبیین نماید و درصد پاسخگویی به این سوال است که بنیان‌های جامعه شناختی گفتگو در اندیشه ایشان چیست؟

## اهمیت و ضرورت

انقلاب نیازمند رهبری است. رهبران اهداف را مشخص می‌کنند درباره شیوه برخورد با حکومت تصمیم می‌گیرند، وضع موجود را بر اساس ایدئولوژی خود ترسیم می‌کنند و تحلیل می‌کنند. تصویری از جامعه بهتر ترسیم می‌کنند. بدون رهبری، نارضایتی اجتماعی تنها به شورش می‌انجامد. بیشترین پژوهش‌هایی که درباره رهبران انجام شده براساس دیدگاه روانشناسی

1 -Static

2 -Dynamic

وروانکاوی بوده است. روانکاوی رهبران برپایه سه اصل انگیزه‌های شخصی، سیاسی کردن آنها، توجیه آنها برحسب مصالح عمومی است. بنابراین اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع فوق از بعد جامعه‌شناختی و تیپولوژی ارائه شده می‌باشد.

### اهداف پژوهش

هدف مقاله تمرکز بر نقطه محوری اندیشه امام یعنی بنیانهای گفتگو خواهد بود که از طریق اهداف فرعی بررسی گفتمان امام در وضعیت ایستا و زندگی اجتماعی افراد در وضعیت پویا و تحولات اجتماعی با هدف بیداری اسلامی و جهانی شدن اسلام و طرح اندیشه دینی و مذهبی و اخلاقی تحقق می‌یابد.

### چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله ترکیبی است از آیات و روایات و نظریه رهبر فرهنگدانه وبر و تئوری انقلاب کرین برینتون.

گفتگو در روش انبیاء: از میان مجموعه ابعاد شخصیتی حضرت امام (ره) یکی از برجسته‌ترین وجوهی که ایشان را از سایر عالمان و متفکران جهان اسلام ممتاز می‌کند، نگرشی است که به قرآن و اسلام داشته و برداشتی است از حیات و روش انبیاء و اولیای معصوم داشته است.

تاریخ انبیاء و اولیا نشان می‌دهد که رسالت شان دعوت به اسلام بوده که بازبان گفتگو صورت می‌گرفته و چنانچه نتیجه مثبت حاصل نمی‌گشت به جنگ و قیام می‌پرداختند. امام خمینی در خصوص هدف انبیاء می‌فرماید: «انبیاء که جنگ می‌کردند با مخالفین توحید مقصدشان این نبود که جنگ کنند و طرف را از بین ببرند، مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند، دین حق را منتشر کنند.» (صحیفه نور، ج ۴۴: ۷)

ایشان می‌فرمایند: «تمام پیامبران در طول تاریخ اینطور نبوده است که فقط یک ناصحان باشند، بلکه آنها برای تهذیب اخلاق مردم به گفتار، به کردار، به عمل به فعالیت مأمور بودند و خدای تبارک و تعالی آنها را برای اینکه انسانها را بسازند، برای اینکه خلق انسانی در آنها رشد پیدا بکند و اعمال و افعال انسانی داشته باشند، مبعوث فرموده است و همه در هر حالی که بوده اند، کوشش خود را کرده‌اند.» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۷۷)

حضرت ابراهیم (ع): ابراهیم بابرهان غروب که از خواص ممکن است ستاره پرستان و ماه خورشید پرستان را محکوم کرد. قرآن برهان ابراهیم را برای ابطال مشرکین عرب نقل نموده، فرموده: چون شب شد ابراهیم کوکبی را دید گفت آیا این خدای من است؟ چون غروب کرد گفت خدا غروب ندارد پس این خدا نیست و همینطور ماه و خورشید را از خدایی انداخت و توحید خدای عالم را به قوم خود تعلیم کرد. (انعام ۷۶-۷۸) (کشف الاسرار، ۱۹) (خمینی، ۱۳۹۳: ۵۷)

حضرت موسی (ع): خداوند پس از این همه امتحانات و تربیت‌های روحانی، برای چه او را تهیه کرد؟ برای دعوت و ارشاد و نجات دادن یک نفر بنده طاغی یاغی که آن همه فساد درارض می‌کرد. ممکن بود خدای تعالی او را به صاعقه غضب بسوزاند، ولی رحمت رحیمیه برای او دو پیغمبر بزرگ می‌فرستد و در عین حال سفارش او را می‌فرماید که با او با کلام نرم لَین گفتگو کنید. (آداب الصلوات: ۲۳۸-۲۴۰)

موسی (ع) یک شبان با عصایش راه می‌افتد، می‌رود سراغ فرعون. خدا هم او را می‌فرستد دنبال فرعون؛ بروید او را دعوت کنید، به قول لَین هم دعوتش کنید و امثال ذالک. وقتی که قول لَین نشد، خوب آن وقت قیام کنید. (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۴۶)

پیامبر اسلام (ص): پیغمبر اکرم که سیزده سال در مکه رنج کشید، حبس بود، زجر کشید، توهین شد، هزار جور بساط بود، در آنجا صبر کرد و دعوت کرد اشخاص را. بعد هم که ملاحظه فرمود که نمی‌شود در اینجا کار را پیش برد، هجرت کرد به مدینه. در آنجا خوب، اشخاصی به آنها مُنْضَم شدند. ده سال هم که در آنجا بودند تمام هم‌شان در این بود که با قلدرها بجنگند. با اینها جنگ کرد تا اینها را آن مقداری که شد، ساقط کرد؛ ولی صبر می‌کرد. (صحیفه نور، ج ۴: ۱۷)

امام خمینی (ره) در منشور انقلاب بمناسبت حج ۱۳۶۶ اعلام می‌کند که مقابله جهان‌خواران بادین اسلام موجب نابودی آنان خواهد شد و اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذمت می‌نشانند و تضاد انقلاب با استکبار جهانی را ریشه در عمق جهان بینی الهی ما می‌داند. راه نجات راهم بسیج مردمی و مبارزه مسلحانه می‌داند. چنانکه در آیات قرآن نیز این دستورا را داریم:

صالحان وارثان زمین می‌شوند: مادر زیور بعد از ذکر (مقررات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد. (انبیاء: ۱۰۵)

گسترش اسلام در جهان: اوست که پیامبر خود را با هدایت‌ها و آئین استواری فرستاده است تا دین حق را بر تمام ادیان پیروز گرداند هر چند گروه مشرک آن را دوست نداشته باشند. (توبه / ۳۳)

پیروی خط پیامبران: اراده و مشیت ما به پیروزی پیامبران تعلق گرفته است آنان کمک شدگان هستند و سپاه ما (سپاه توحید) پیروز است. (صافات: ۱۷۱-۱۷۳)

پیروزی حق بر باطل: ملاحق را بر باطل می‌زنیم و آنرا نابود می‌سازیم ناگهان آن پوچ و تباه است. (انبیاء: ۱۶)

پیروزی مومنین: حزب و سپاه ما پیروزند. (صافات: ۱۷۳)

**دیدگاه و بر:** و بر معتقد است که شخصیت‌های کاریزمایی در طی تاریخ غیر عقلانی انسان به طور مداوم تعاریف جدیدی از جهان و انسان عرضه می‌کنند و هرگاه پیروانی پیدا کند که خود را به تعریف عرضه شده متعهد سازند، یک جنبش اجتماعی پدید می‌آید. چنین جنبش‌هایی معمولاً در شرایط تهی شدن زندگی از معنا در زمینه‌ای از نارضایتی نسبت به محیط پیرامون پدید

می‌آیند و دست به بسیج پیروان و مومنان می‌زنند. پیروان بر این باور می‌شوند که تعریف و تفسیر تازه از جهان و انسان پاسخ بهتری به مسئله خلأ معنا می‌دهد. (بشیری، ۱۳۷۴: ۶۲)

دکتر حمید آجر می‌گوید: امام خمینی هیچ منبع درآمد سرشار و باارزشی به‌مراه نداشت نه گروه‌های سیاسی سازمان داده شده داشتند و نه پارتیزان و جنگجو، حتی از هیچ کشور خارجی کمکی نکردند با این وجود او رهبر بی‌چون و چرای انقلاب اسلامی ایران گردید. (صدیقی، ۱۳۶۹: ۳۸۰)

عظمت انسان به روحیت روح انسان است. عظمت انسان به اخلاق و رفتار و کردار انسان است، نه به اینکه اتومبیلش سیستم کذاب باشد، نه به اینکه خدمه داشته باشد، نه به اینکه گارد داشته باشد. اینها عظمت انسان نیست، اینها انسان را منحط می‌کند از آن مقامی که دارد. (صحیفه نور، ج ۱۳: ۴)

کاریزما نیروی خلاقه عمده‌ای در تحول تاریخ بشمار می‌رود. لفظ کاریزما را رودلف سوم مورخ مذهبی آلمانی در توصیف رهبران الهام گرفته از خداوند بکار گرفت. اما وبر به آن معنایی غیر مذهبی نیز افزود. وبر معتقد بود اصطلاح کاریزما در مورد نوع خاصی از شخصیت فردی بکاربرده خواهد شد که به موجب آن از انسانهای معمولی متمایز می‌شود و دارای قدرت‌ها یا ویژگی‌های فوق طبیعی، فوق انسانی و یا حداقل استثنایی و نادری تلقی می‌شود. وبر انواع گوناگونی از شخصیت‌های کاریزمائی مانند پیامبران، منجیان، قهرمانان و سلحشوران تمیز می‌دهد. در همه موارد اصل، اعتقادی است که پیروان به ویژگی خارق العاده شخص کاریزما تیک دارند. بدون پیروی دلبخواهانه و آزاد پیروان از رهبر کاریزمائی، کاریزمائی وجود نخواهد داشت. (بشیری، ۱۳۷۴: ۵۸)

وضع سیاسی ایران ظاهراً در گروهی یک نبرد تن به تن و عظیم میان دو هم‌اورد، با همه نشانه‌های معهود و دیرینه است: شاه و قدیس، حاکم مسلح و تبعیدی بی‌سلاح، سلطانی مستبد و روبروی او مردی که با دست خالی و به حمایت یک ملت، به پا خاسته است. (فوکو، ۱۳۷۷: ۳۴ و ۳۵)

**کرین بریتون:** اودر کتاب کالبدشکافی انقلاب گفته است: «اندیشه‌ها همواره بخشی از وضعیت پیش از انقلاب هستند و بدون آنها انقلاب وجود نخواهد داشت. این بدان معنی نیست که اندیشه‌ها موجد انقلابند و یا منع اندیشه‌ها بهترین راه جلوگیری از انقلاب است، بلکه تنها بدین معنی است که اندیشه‌ها در تحلیل عوامل رفتار جمعی، جزئی از متغیرها را تشکیل می‌دهند.» (Brinton, 1965: 49)

### روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی - تبیینی با رویکرد گذشته‌ای است، که با استفاده از فن اسنادی به تحلیل محتوای متون پرداخته و از طریق فهم درون متنی به تبیین جامعه‌شناختی بنیان‌های گفتماندیشانه امام (ره) پرداخته می‌شود. با روش اسنادی و استفاده از اسناد و مدارکی که واجد

ارکان اندیشه امام باشند، سعی خواهد شد موارد مورد واکاوی قرار گیرند. با استفاده از منابع مذکور و با حفظ محتوی مطالب، برای شناسایی عناصر ثابت و منحول اندیشه امام آثار ایشان را مرور می‌کنیم. در این بررسی تمرکز بر نقطه محوری اندیشه امام یعنی بنیانهای گفتگو خواهد بود، نه سایر مولفه‌های اندیشه ایشان.

البته امروزه گفته‌های امام به صورت تصویری، صداها و متون نوشته شده در دسترس همگان است ولی نگارنده به صورت تحلیلی و تبیینی و با هدف تعمیق و تتبع و ژرف نگری در یکی از گنجینه‌های باارزش امت اسلامی و انقلاب به واکاوی می‌پردازد.

**سپهر قدرت امام خمینی (ره):** نگارنده با رویکرد وبری که سپهر قدرت را شامل سه نظم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌داند، برای امام خمینی (ره) این سپهر قدرت را تبیین و ترسیم نموده است.

سپهر قدرت امام خمینی (ره)

نظم مذهبی	نظم اجتماعی	نظم سیاسی	سپهر قدرت امام خمینی (ره)
اسلام شناسی و تمایز اسلام انقلابی از اسلام اشرافی (حاکمیت خدا در مقابل حاکمیت شاه)	اخلاق، وجدان جمعی (ارزش‌ها و باورداشت‌های مشترک) - فرهنگندی	بسیج عمومی مردم	

سپهر قدرت امام برگرفته از نظم سیاسی ۱ و نظم اجتماعی ۲ و نظم مذهبی ۳ است. تداوم و پایداری انقلاب پس از این سالها دلالت بر این سپهر قدرت و ریشه داشتن در اسلام و خاستگاه مردمی دارد.

بررسی بنیان‌های گفتگو در اندیشه امام در رابطه با زندگی اجتماعی افراد

**دیدگاه امام خمینی (ره) درباره نقش دولت در زندگی اجتماعی افراد:** نگاه امام به

عرصه سیاست اینگونه است: «مگر سیاست چیست؟ روابط حاکم و ملت، روابط بین حاکم و سایر حکومت‌ها، جلوگیری از مفاسدی که هست، همه اینها سیاست است. (خمینی، صحیفه نور، ج: ۱: ۳۳۹)

ایشان فرمودند: «اگر برای هر دولتی برنامه ای است، برنامه رسول اکرم (ص) را می‌توان گفت همان سوره‌ای که در اول وارد شده است، آن برنامه رسول خداست. إقرأ باسم ربك الذی خلق... علم الإنسان ما لم يعلم. تمام انبیا موضوع بحث شان، موضوع تربیت شان، موضوع علم

1 - Political Order

2- Social Order

3- Religion Order

شان انسان است. آمده‌اند انسان را تربیت کنند. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه، مافوق الجبروت برسانند. (خمینی، صحیفه نور، ج ۷: ۲۲۳)

امام توانست زبان گویای طبقات پایین و محرومان جامعه باشند. فلسفه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی ایران توجه به اقشار آسیب دیده و حاشیه‌ای است. امام خمینی اعتقاد بسیاری به برقراری عدالت و رسیدگی به حال مستضعفان و پابرهنگان داشتند و در مورد انتخاب اصلح می‌فرمودند: باید فردی را انتخاب کنید که از طبقه‌ی پایین جامعه باشد و مردم محروم و مستضعف را درک کند تا برای آن‌ها برنامه‌ریزی کند. از طبقه‌ای باشد که محرومیت و مظلومیت مستضعفان را لمس کرده باشد و حامی و طرفدار آن‌ها باشد. امام علی (علیه السلام) نیز از طبقه‌ی پایین جامعه بودند و سبک زندگی ایشان، رسیدگی به حال محرومان بود (صحیفه‌ی امام، ج ۱۱: ۳۶)

آنجا که فرمودند من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم، عقل سیاسی معاصر ایران در حکومت مندی (یعنی یگانگی دولت و ملت) شکل گرفت.

**دیدگاه امام درباره نقش حوزه‌ها و روحانیت در زندگی اجتماعی مردم:** حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند. (مجله حوزه، ش ۴۲: ۲۰)

**بررسی بنیان‌های گفتگو در اندیشه امام در رابطه با تحولات اجتماعی و سطوح بین المللی:** با توجه به اینکه امام در مورد سطوح بین المللی بیانات بسیاری داشتند در این مقاله تنها به چند مورد پرداخته می‌شود.

**الف: بیداری اسلامی<sup>۱</sup>:** امام خمینی به عنوان شخصیت فکری، فرهنگی، جهادی و جریانساز در دنیای اسلام توانست در بیداری اسلامی مسلمانان نقش داشته باشد.

آیت الله مطهری از بیداری اسلامی «به پدیده‌ای اجتماعی تعبیر می‌کنند که به معنای بازگشت بیداری و هوشیاری امت اسلامی است تا به خدا باوری برسد و به دین و کرامت و استقلال سیاسی، اقتصادی و فکر خود مباحث کرده و در راستای ایفای نقش طبیعی خود به عنوان بهترین امت برای مردم تلاش کند.» (مطهری، ۱۳۶۸: ۹۲-۹۰)

**ب: برائت از مشرکین:** می‌توان برائت از مشرکین را نوعی بیداری و آگاهی اسلامی دانست. ایشان برائت را جرعه‌ای از عشق می‌داند که در افراد شعله ور می‌شود و نیروهای مسلمان انرژی‌های متراکم خود را آزاد می‌کنند. البته این انرژی بوسیله عبودیت و قبول ولایت شیطان

محبوس شده و در براءت این ولایت شیطانی شکسته و ولایت خداوند حاصل می‌شود. (حائری شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۴۵)

«ما با اعلام براءت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم وبه یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست.» (تقوی، ۱۳۶۹: ۱۸۷)

ایشان پیام براءت را در رابطه با ارائه طرح‌ها و تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زاراندوزان بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی‌دستی می‌داند. (تقوی، ۱۳۶۹: ۱۹۶)

**ج: تعاملات دیپلماتیک:** ایشان در تعاملات دیپلماتیک با توجه به اصول مصلحت‌جامعه و دفع مفاسد به تدبیر امور می‌پرداختند. ایشان بارها فرموده بودند که اگر مصلحت اسلام یا مسلمین را در عمل خاصی دیدند، اقدام می‌کنند.

منعطف بودن سیاست امام را می‌توان در پذیرش قطعنامه دید. ایشان فرمودند: «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم. (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۱۲)

ایشان در سخنرانی اول اردیبهشت ماه ۵۸ در جمع روحانیون اعزامی عربستان سعودی که بعنوان نمایندگی عالی رتبه به ایران آمده بودند، فرمودند: امیدواریم ملت‌های اسلامی بپا خیزند و با وحدت کلمه و با توجه به اسلام و قدرت ایمانی بر اجانب و بر کسانی که می‌خواهند این ملت را همیشه در تحت اختیار سلطه خود داشته باشند، غلبه کنند. رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام وحدت کلمه و قوت ایمانی بود. (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۶۲)

در مورخ ۵۸/۲/۷ در جمع اعضا هیئت اعزامی از لوئی فرمودند: ما اگر خداوند توفیق دهد و ملت این رمز را حفظ بکند امیدواریم که بتوانیم استقرار بدیهیم حکومت اسلامی را و احکام اسلامی را، لکن احتیاج به وحدت کلمه دارد که ملت ما باید وحدت کلمه داشته باشند و ملت ما که در سایر بلاد هستند باید با ما تشریک مساعی کنند و همه باهم یکصدا و یک‌نوا بسوی جمهوری اسلامی و احکام مقدس» (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۶۳)

امام در دیدار با سفیر شوروی فرمودند: «ما می‌خواهیم با کسانی که می‌خواهند با ما روابط دوستانه داشته باشند، روابط دوستانه داشته باشیم و امیدواریم که کشور شما و دولت شما احترام



متقابل را حفظ کند و طوری عمل کند کہ در ایران منعکس نشود کہ شما در امور کشور مداخلت داشته اید. ما ہم مایلیم باشما روابط حسنه و روابط اقتصادی و سیاسی داشته باشیم و این موکول است بہ اینکه احترام متقابل رعایت شود. ما از شما می‌خواهیم مسائلی کہ باعث شود عده ای بعضی چیزها را بگویند، پیش نیاید و ہمیش ہمین قضیہ رساندن اسلحه است. چنانکہ ما میل داریم افغانستان کہ یک مملکت اسلامی است، مسائل اسلامی حل شود. دخالت شوروی در آنجا در ایران ہم اثر خواهد گذاشت و ما از شوروی می‌خواهیم در افغانستان دخالت نکند. باز تکرار می‌کنیم کہ ما خواستار روابط دوستانه هستیم. (صحیفہ نور، ج ۷: ۱۹)

در پاسخ بہ سوال، سیاستی کہ شما در مقابل دولت آلمان خواهید داشت، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا بہ نظر شما سیاست کنونی کہ بین ایران و آلمان است، تغییر خواهد یافت؟ گفتند: «آلمان مثل سایر کشورهاست و هر قراردادی با آلمان اگر بہ ضرر ملت ما باشد اعتبار ندارد و ما با آلمان و سایر کشورها با احترام متقابل عمل می‌کنیم و اجازه ظلم بہ آنها نمی‌دهیم، چنانچہ بہ آنها ظلم نخواهیم کرد (۵۷/۵/۱۹) ایشان ہمین سال در تاریخ ۹/۵ فرمودند ایران اجازه نمی‌دهد کہ هیچ ملتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند و باتمام کشورها ہم بہ طور احترام متقابل عمل خواهد کرد.

**د: نامہ بہ گورباچف:** در بعد بین المللی امام در نامہ ای کہ بہ گورباچف نوشت، از او خواست درباره اسلام بہ طور جدی تحقیق کند. امام با دعوت غیرمسلمانان بہ اسلام، در صدد جهانی سازی اسلام بود ند. چنانکہ خودشان گورباچف را بہ اسلام دعوت کردند: باید قشرهای غیر اسلامی را بہ مکتب مترقی عدالت پرور اسلام دعوت کنید. (صحیفہ نور، ج ۳: ۳۲۲)

ایشان با نقد وجہ تحدیری مذهب، در این پیام بہ صراحت اعلام می‌کنند کہ: «جمهوری اسلامی ایران بہ عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاہ جهان اسلام بہ راحتی می‌تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید و در هر صورت، کشور ما همچون گذشتہ بہ حسن همجواری و روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می‌شمارد. (صحیفہ نور، ج ۲۱: ۹-۶۸)

**ه) آزادی مسجد الاقصی و ہنجار شکنی کتاب آیات شیطانی:** آزادی مسجد الاقصی از اشغال صہیونیستہا اهمیت ویژه ای برای ایشان داشت. در برابر چاپ کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی باعث اتحاد و یکپارچگی ہرچہ بیشتر مسلمین جهان شد و درخواست شدیدترین مجازات را نمود و رہبر جهان شد.

**و) برپایی صلح جهانی<sup>۱</sup>:** امام خمینی (ره) برپایی صلح جهانی را در نتیجہ تشکیل حزب مستضعفین می‌داند کہ با ریشہ کن کردن فساد مستکبرین، موجب انقراض آنان می‌شوند و

سلامت و صلح جهانی اتفاق می‌افتد و مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده، می‌رسند. (صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۶۲)

ایشان در رابطه با کارکرد حزب، دفاع از محرومان جهان را برمی‌شمرد و مستضعفین را به دست گرفتن زمام امور، راندن حکام جنایتکار و نهایتاً برپایی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل می‌داند (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۴۸)

جدول تیپولوژی<sup>۱</sup> تعاملات بین المللی برگرفته از اندیشه امام خمینی(ره)

سطح گفتگو	اصول رابطه	ابزار	شرط	ایده آل	هدف	سیاست	سازمان مربوطه	سازمان‌های بین المللی	کُرکارکردی حزب
جهان اسلام بین المللی	احترام متقابل، عدم مداخله در امور یکدیگر، همگونی بین کشورهای، آرمانها و مصالح و منافع خود (صحیفه نور، ج ۴، ۲۶)	نیروی ایمان	عدم اجازه به دخالت در امور داخلی	آرزوی پیاده شدن اسلام در جهان (داستانی، ۱۳۹۳، ۵۵)	اتحاد جهان (صدور بدون زور، بدون سرنیزه، صدور با رشد اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی و اخلاق انسانی) (۵۹/۱۰/۱۶)	صدور انقلاب (رنگ اسلامی داشته باشند) (۵۸/۳/۲۲)	سفارتخانه‌ها که در راستای منافع ابرقدرتها، ننگ آفرینی، بازی دادن کشورها، سکوت سازمان‌های بین المللی و تشویق جنایاتکاران (داستانی بیرکی، ۱۳۹۳، ۸۹-۹۳)	خدمت به منافع غرب، جهت گیری در راستای منافع ابرقدرتها، ننگ آفرینی، بازی دادن کشورها، سکوت سازمان‌های بین المللی و تشویق جنایاتکاران (داستانی بیرکی، ۱۳۹۳، ۸۹-۹۳)	حزب جهانی مستضعفین (صحیفه نور، ج ۸، ۲۵۰)

### بستر اخلاقی بنیان‌های گفتگو در اندیشه امام خمینی(ره): شخصیت فرهمندانه

امام(ره) ماحصل اخلاق و منش متعالی او است، بنحوی که این امر با مطالعه در آثار متعدد اخلاقی او مشهود است و همچنین می‌توان از آن بستر اخلاقی به بنیانهای گفتگو در اندیشه ایشان رسید. ایشان با عنوان نمودن مباحث عرفانی یا نکته‌ها و توجیه‌های اخلاقی در کتاب‌ها و سخنان خود و با نشان دادن آثار عملی (منش‌ها و روش‌هایی که در زندگی اجتماعی و سیاسی باور داشته و به کار بسته) به اخلاقیات پرداخته است. ایشان به رهپویان اخلاق، و مدعیان صلاح و اصلاح توصیه می‌کند که از آیات قرآن و شیوه انبیا درس آموزند و برنامه‌های خود را با رأفت و عطوفت درهم آمیزند:

«... با قلب پر از محبت و دل با عاطفه با بندگان خداوند ملاقات کن و خیر آنها را از صمیم قلب طالب شو. و چون قلب خود را رحمانی و رحیمی یافتی به امر و نهی و ارشاد قیام کن تا دل‌های سخت را برق عاطفه قلب نرم کند و آهن قلوب به موعظت آمیخته با آتش محبت لاین گردد.» (امام خمینی، ادب الصلاة: ۱۳۹)

او حتی از موارد به ظاهر قهرآمیز و خشن زمان پیامبر، برداشت عطفوت آمیز و عشق و رزانه دارد، چنان که احساس پیامبر را از دیدن اسرای کفار چنین بیان می‌کند: «... پیامبر (ص) غصه می‌خورد برای کفار، کفار که نمی‌آیند. در یک جنگی که یک دسته ای را اسیر کرده بودند و می‌آوردند، فرمود که ببین، ما با زنجیر می‌خواهیم اینها را به بهشت ببریم، اینها را ما اسیر کردیم، آوردیم آدم‌شان کنیم و بفرستیم‌شان به بهشت...» (صحیفه، ج ۹: ۱۶۲)

این نمونه‌ها و صدها نمونه دیگر که در این بحث مجالی برای آن نیست، نشان می‌دهد که رعایت اخلاق و اصول اخلاقی از بنیانهای اصلی گفتگو در کلام و اندیشه ایشان است.

**رویکرد امام خمینی (ره) قبل و بعد از انقلاب:** امام می‌فرمایند: اساس این نهضت ازدو جا سرچشمه گرفت: یکی از شدت فشار خارجی و داخلی و چپاولگری خارجی و داخلی و اختناق‌های فوق العاده و یکی دیگر آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل که یک رژیمی درمقابل رژیم طاغوتی باشد و ما مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام درایران پیاده کنیم (آیین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۱۶۰)

بنابراین رویکرد امام در قبل از انقلاب دعوت نظام سیاسی به بازگشت به اسلام و قطع رابطه با عوامل خارجی به منظور جلوگیری از سلطه و در بعد از انقلاب نیز صدور پیام‌های معنوی اسلام به مردم دیگر کشور و بیداری اسلامی بود. چنانکه ایشان با مورد خطاب قرار دادن مراسم حج به عنوان کنگره جهانی، پیام گسترش اسلام را ابلاغ می‌کردند و سردادن شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی اندیشه به معنای عدم و قطع وابستگی به اجانب در اندیشه ایشان است. امام در پاسخ به سوال خبرنگاری از رادیو لوکزامبورگ که پرسیده بود اهداف و برنامه‌های آینده شما چیست؟ فرمودند: «نقابسی که در حکومت شاه بوده است، تا آن جا که مقدور است، ترمیم خواهیم کرد. (صحیفه نور، ج ۴: ۶۶)

## بحث

با مقایسه اندیشه و کلام امام آیات و روایات مطرح شده می‌توان به این امر رسید که امام خمینی (ره) با مشخص نمودن تمامی عناصر لازم برای زندگی اجتماعی و سیاسی و ارتباطات جهانی و تبیین چارچوب آن، اندیشه ای برگرفته از اسلام را داشته اند و با تأسی از روش انبیاء به گفتگو می‌پرداخته و از گفتگو بیشتر در تبیین و اصلاح و اشاعه استفاده نموده است و در صورت عدم نتیجه به قیام و جنگ می‌پرداخته است. همچنین براساس دیدگاه و برامام رهبری فرهمند بود. یکی از مواردی که هنر رهبری رادرمبارزه می‌توان در معرض سنجش افکار و اندیشه‌ها گذاشت، میزان قدرت و تأثیری است که او از طریق تفسیر و توجیه هدف برافراد جامعه می‌گذارد. امام خمینی شخصیت با عظمتی بود که تحولی بس شگرف را در جهان معاصر بوجود آورد و از طریق نفوذ در دلها و برانگیختن شور ایمانها، امتی را به مقابله علیه نظام حکم برانگیخت.

همچنین براساس نظریه کرین بریتون و مقایسه انقلاب ایران با چهار انقلاب (فرانسه،

روسیه، انگلیس و آمریکا)، ایشان اسلامی بودن انقلاب ایران را مطرح می‌کند، که بیانگر وجود مسیر مستقیم‌تری در انقلاب ایران و جهت‌گیری یکسان آن در طول حیاتش است و اندیشه امام و تأثیر اندیشه ایشان از جمله عوامل ایجاد انقلاب و جهت‌گیری اسلامی آن است.

اما در تبیین نقش دولت با استفاده از آیات قرآن برنامه دولت را فراهم آوردن زمینه تربیت افراد و رسیدن از طبیعت و بعد مادی به مرتبه عالی و مافوق الطبیعه می‌داند. براین اساس برای برنامه ریزی مناسب فردی را برای حکومت مناسب می‌داند که درد اقشار محروم و طبقه پایین را درک کند، پس بایستی فردی با صلاحیت از طبقه پایین باشد. همچنین واژه من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم، در جامعه شناسی سیاسی نشان دهنده جهت‌گیری و اقبال امام به دموکراسی است.

ایشان نقش روحانیون و حوزه را شناختن و رفع نیازهای جاری مردم و همچنین شناخت نیازهای آینده و مسائلی که پیش خواهد آمد می‌دانستند، پس می‌توان گفت از مبانی گفتگوی ایشان آینده پژوهی می‌باشد. همچنین امام خمینی (ره) توانست فقه را از حالت فردی به شکل اجتماعی و سیاسی تبدیل کند و از سوی دیگر، به عنصر مصلحت در اجتهاد به قدری بها داد که عقلانیت برآمده از اسلام سیاسی او در فقه شیعه، حکومت را که اصلی‌ترین نماد عقلانیت به شمار می‌آید تأسیس کرد.

### نتیجه‌گیری

رابطه محکمی میان آرای نظری، آرای ارادی و افعال انسان وجود دارد. بنابراین اهداف و غایات انسان‌ها از تشکیل نظام سیاسی هر چه باشد، اندیشه ویژه آن باید تولید شده باشد؛ در غیر این صورت هدف مورد نظر تحقق نخواهد یافت. اگر به دنبال سعادت حقیقی یعنی تقرب به خدا و کسب رضایت الهی باشیم، اندیشه فاضله به کار می‌آید و اگر به دنبال پنداری از سعادت باشیم با توجه به نوع پندار، که ممکن است ثروت، لذت، کسب وجهه، آزادی، سلطه و ترقیبی از اینها باشد، اندیشه سیاسی خاصی مطرح خواهد شد. امام خمینی (ره) با هدف تقرب الهی و رضایت الهی و با داشتن اندیشه فاضله روح خفته جهان اسلام را بیدار کرد و پیام به مسلمین داد.

با توجه به اینکه نقش رهبر فکری در روند انقلاب کاربرد اصول جهان بینی خاصی در مورد وضع موجود برای سلب مشروعیت از نهادهای سیاسی موجود است. به نظر می‌رسد که برخی که تنها در اندیشه‌های امام به دنبال اندیشه‌های انقلابی هستند، یا اندیشه‌ها را به طور کامل دریافت ننمودند یا دچار سطحی‌نگری شده‌اند. امام به عنوان رهبر مسلمان، با بهره‌گیری از فقه شیعی و پایبندی به اصلاح، اقدامات اصلاحی را در قالب گفتگو داشته‌اند. همچنین از آنجا که اندیشه‌های افراد در بستر اجتماعی جامعه در مکان و زمان خاص خود معنا می‌یابد لذا برای رسیدن به مبانی گفتگو بایستی، اندیشه امام به طور کامل و در شرایط و زمان خاص و در وضعیت‌های

ایستا و پویا مورد واکاوی قرار گیرد.

اندیشه امام وبه تبع آن اقدامات او در مقطعی از تاریخ اندیشه و عمل او با گفتمان اصلاحی صورت گرفته است. چنانکه در کتاب کشف الاسرار او می خوانیم که: البته تشکیلاتی که براساس احکام خدا و عدل الهی تأسیس شود، بهترین تشکیلات است، لکن اکنون که آن را از آنها نمی پذیرند، اینها هم باین نیمه تشکیلات هیچ گاه مخالفت نکرده و اساس حکومت را خواستند به هم بزنند و اگر گاهی هم با شخص سلطانی مخالفت کردند، مخالفت با همان شخص بوده، از باب آن که بودن او را مخالف صلاح کشور تشخیص دادند و گرنه باصل اساس سلطنت تاکنون این طبقه مخالفتی ابراز نشده است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۶-۱۸۷)

یکی از اندیشه های عمیق حضرت امام که در گفتارها و شعارها و عمل انقلاب تبلور نمود، مبارزه با زورگویی و استکبارستیزی بود. و داغداری مردم و مراسم باشکوه فوت ایشان گواه بر این امر است. این نیروی عظیم سرمایه باارزش امام بود. امام با واقع بینی و واقع اندیشی و فشارهای داخلی و خارجی مصلحت مردم را در نظر می گرفت.

از برکات اندیشه امام بیداری اسلامی است که در قالب گفتگو انجام شده است. امام از آنچه می ترسید فرهنگ غرب نبود چون به کرات درسرخنانشان آن را در آستانه ورشکستگی می دانست (پیام به گورباچف گویای ابتدال فرهنگ منحن غرب است)، ولی آنچه برای ایشان مهم بود با ابزار اسلام به جنگ اسلام رفتن بود. همان نقشی که مسجد ضرار داشت و بیداری مسلمانان در راستای ضربه خوردن به اسلام و مسلمین از سوی مسلمان نما هست. امام اسلام اشرافی را از اسلام انقلابی متمایز نمود.

امام در برائت از مشرکان به نقش نیروی انسانی در پاسداشت ارزشها و اسلام معرفی نشده، اشاره می کند ایشان معتقد بودند که تحقق هر نظام دفاعی و رشد فرهنگ جهاد و مبارزه تا حدود فراوانی به ساختار نیروی مبارز بستگی دارد، زیرا نقشی که نیروی انسانی شایسته در پاسداری از آرمانها و درهم شکستن موانع ایفا می کند غیرقابل انکار است و لذا توجه به این موضوع اوج اندیشه و اعتقاد و درایت و قدرت رهبری و فرماندهی را بخوبی مشخص می سازد. (تقوی، ۱۳۶۹: ۲۰۷)

ایشان با فریاد برائت از مشرکین، بی روحی مذهبی در مراسم پرشکوه حج را از کارهای استکبار جهانی می دانست، را از بین می برد و برائت را آگاهی در برابر اسلام آمریکایی و حفظ ظواهر دین بیان می کرد.

امام با روش نوینی از تفکر اسلامی و نوع جدید از معارف اسلامی را بوجود آورده که در آن تاکید بر روش اجتهادی است. به نحوی که با اجرای اسلام باین روش تمام مسائل حل می گردد و با اعلام این روش برای اصلاح طلبان مسلمان (گورباچف خوراک فکری) فراهم نمود. ایشان با توجه به جو کاذبی که ایجاد شده بود وعده ای از مخالفین انقلاب اسلامی را انقلاب شیعه و برخی دیگر آنرا انقلاب ایرانی و غیره لقب دادند. و بسیاری از مناطق با نام سوسیالیزم اسلامی به

مقابله با اسلام و مورد شک قرار دادن انقلاب اسلامی پرداختند امام با نامه به گوراچف، رئیس جمهوری روسیه را نصیحت و سفارش به جستجوی حقیقت می‌کند و درباره اسلام بیشتر مطالعه کنند. این امر از یکسو موجب توجه جهانیان می‌شود و از سوی دیگر مسلمانان روسیه را تشویق به پا خاستن کرده و قیام مسلمانان روسیه و تظاهرات آشکار آنها و کوشش و تلاش زیاد آنها برای دستیابی به میراث اسلامی خودشان نشانه روشنی از این تاثیرپذیری است.

عقاید انسان دارای منطق و نیرو و تاریخ درونی خاص خویش است و عظمت امام این است که اصالت فکرش را در آثارش بتوانیم نشان دهیم. نگارنده با توجه به منظومه فکری امام یکی از مهمترین مبانی گفتگوی ایشان را طرح اندیشه دینی و مذهبی در جهان و جهانی شدن اسلام می‌دانست و با بررسی متون ایشان به این نتیجه رسید که امام خمینی (ره) شرط گفتمان و رابطه صحیح با دیگر کشورها را استقلال ایران می‌داند (صحیفه نور، ج ۲۰: ۴۹) و حقوق بشر را به شرطی به رسمیت می‌شناسد که بر مبنای اسلام پایه ریزی شده باشد. (صحیفه نور، ج ۱۰: ۵۷) در گفتمان بین ملت‌ها با رعایت احترام متقابل تفاوتی بین دولتهای شرقی و غربی نمی‌بیند و رفتار عادلانه با غرب دارد. (صحیفه نور، ج ۳: ۲۵۷) با بکارگیری استقلال در ایران، در تعاملات، اجازه دخالت در امور داخلی و استثمار را به هیچ ملتی نمی‌دهد. هنگامی که گفتمان بر اساس احترام متقابل شکل گیرد، ضدیتی وجود نخواهد داشت و چون رعایت عدالت است، رابطه طبقاتی ارباب رعیتی از بین خواهد رفت. (صحیفه نور، ج ۴: ۸) امام با رویکرد اسلامی به ملت‌ها، هیچ تفاوتی بین ملت‌ها نمی‌بیند. با توجه به تقسیم بندی کشورها به جهان اول و دوم و سوم امام در گفتگو و تعامل به این رابطه طبقاتی نمی‌نگرد. ایشان با طرد نژاد پرستی، رابطه بین ایران و اسرائیل را به دلیل نژاد پرستی و غاصب بودن آن رد می‌کند. (صحیفه نور، ج ۴: ۱۳۴) روابط سالم با تمام ممالک با شرط استقلال ایران را مطرح می‌کند. (صحیفه نور، ج ۲: ۴۹) ایشان مبنای گفتگو در سیاست خارجی آینده را بر مبنای اصل حفظ آزادی و استقلال کشور و احترام متقابل می‌داند و تصمیم گیری ملت‌ها را بر این اساس پیشنهاد می‌کند. (صحیفه نور، ج ۳: ۱۶۰)

هانا آرنه در کتاب وضعیت انسانی می‌گوید: هر جا انسان‌ها در حال گفتگو و عمل با هم باشند فضای ظهور پدید می‌آید. در این فضا یا عرصه انسانی است که قدرت اساسا مبتنی بر روابط انسان‌های در حال کنش و گفتگو ظهور می‌یابد و رشد می‌کند. قدرت تنها در جایی که کلام و عمل (گفتار و کردار) از هم جدا نشوند، فعلیت می‌یابد. امام با همراه کردن گفتار و عمل توانست قدرت و نفوذ خود را بیشتر کند و در بالاترین حد روحانی، کاریزما، مقتدر با قدرت تفکر قیاسی ممتاز باشد. آگاهی بخشی، تمایز اسلام واقعی از اسلام آمریکایی، توجه خاص به نیروی انسانی، کاربست مفاهیم بر مبنای اسلام، رعایت احترام متقابل و رعایت عدالت بین دولت‌ها، مصلحت اندیشی، تمق و واقع بینی، خلق باوری، آینده پژوهی از دیگر مبانی تشکیل دهنده گفتگو در اندیشه ایشان است.

### فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. ادیب زاده، مجید. (۱۳۸۷). زبان گفتمان و سیاست خارجی. تهران: نشر اختران
۳. بشیریه حسین (۱۳۷۴) انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی.
۵. تاجیک، محمدرضا. ۱۳۷۷. فرانوگرایی غیریت و جنبش‌های نوین اجتماعی. فصلنامه گفتمان، شماره ۱.
۶. تقوی، رضا (۱۳۶۹) امام خمینی و استراتژی مبارزه، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، ۱۷۳-۲۱۳.
۷. حائری شیرازی، (۱۳۶۹) امام و بهره‌گیری احسن از عبادات و شعائر، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، ۲۳۹-۲۵۰.
۸. خمینی، روح‌الله کشف الاسرار، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹) مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی.
۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲) آداب الصلوة، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۳) سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی (ره) - تبیان، آثار موضوعی (دفتر دوازدهم)، چاپ هفتم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۳. صدیقی، محمد عبدالرحمن (۱۳۶۹) امام و انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، ۳۷۴-۳۹۰.
۱۴. فوکو، میشل، ۱۳۷۷. ایرانیان چه رویایی در سر دارند؟. ترجمه حسین معصومی همدانی. تهران: هرمس.
۱۵. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۷) سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۳) گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی (ره)، تهران.
۱۷. مدنی، مولوی (۱۳۶۹) ویژگی‌ها و خصوصیات حضرت امام، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی، ۳۶۱-۳۷۲.